

# حجاب در کلام شهید مطهری



آیت الله استاد شهید مرتضی مطهری، که از دانش آموختگان زبده و عالیرتبه ی فلسفه، فقه و اصول در محضر علامه طباطبایی، آیت الله بروجردی و امام خمینی رحمت الله علیهم بود، برای نشر عالمانه ی اندیشه ی تابان اسلام و تشیع راستین، شهر قم را رها کرد، از مقامات اجتماعی و مرسوم و متداول پیش رو در حوزه چشم پوشید، به تهران آمد، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران شد و شمع ی پر فروغ شد در حلقه ی جوانان و فرهیختگان دانشگاهی تشنه ی معارف نورانی اسلام. پس از پیروزی انقلاب اما مغز او به دست تحجر سیاه متلاشی شد و نزد پروردگار مهربان خویش، شادمانه آرام گرفت.

مرحوم امام خمینی (ره) به مثابه استادی برجسته و گوهر شناس، در یک سخنرانی عمومی که از تلویزیون ایران پخش شد، اعلام نمود که چشم بسته، تمام آثار شهید مطهری را تایید می کند و جوانان می توانند بدان ها رجوع کنند و بهره گیرند! قرارو بزرگداشت بزرگان دینی و علمی و فرهنگی را نه صرفا در تعریف و تمجید از آنها، که در تبیین اندیشه ها و نشر پیام های وجودی شان می بیند. ما بزرگان دینی و علمی و ملی خود را "گوهر هایی مدفون" نمی خواهیم که از دسترس مان دور باشند اما پادشان کنیم. آن ها باید در میان ما، الگو و راهگشای حیات خصوصی و اجتماعی مان باشند و برای نیل به زندگی بهتر و انسانی تر، یاری مان کنند.

بسیاری از خانم هایی که حجاب کامل، یا همان حجاب اسلامی، را رعایت نمی کنند بر این تصور اند که خداوند "حجاب" را واجب نکرده و نیروهای حکومتی دست اندر کار که طی سی سال گذشته به شکل های مختلف خواسته اند به زور، حجاب را در ایران بر پا دارند، نمی توانند این اجبار تلخ را به حکم خدا و رسول مبتنی بدانند.

طی یکی دو سال اخیر نیز برخی از خوانندگان عزیز فرارو هم در کامنت هایی که برای برخی اخبار ارسال داشته اند، اظهار نموده اند حجاب واجب نیست.

ما به منظور روشن شدن این ابهام و واریسی این اعتقاد، بخش هایی از کتاب "مسئله حجاب"، نوشته استاد شهید مطهری را طی چندین شماره منتشر می سازیم و از خوانندگان گرمی و حق طلب مان تقاضا می کنیم مباحث استاد را به دقت مطالعه کنند. استاد مطهری اعتقاد دارند که خداوند بزرگ، حجاب را نه واجب بلکه مطلوب هم نمی داند؛ آن چه واجب است حفظ نوع خاصی از پوشش (ستر) است که اجازه ندهد خانم ها به مثابه ابزارهایی برای لذت جویی مردان هوسباز، مورد بهره برداری قرار گیرند.

ما برای پوشش زن از نظر اسلام فلسفه خاصی قائل هستیم که نظر عقلی، آن را موجه می سازد و از نظر تحلیل می توان آن را مبنای حجاب در اسلام دانست.

واژه "حجاب" پیش از این که استنباط خود را در این باره ذکر کنیم لازم است یک نکته را یاد آوری کنیم. آن نکته این است که معنای لغوی "حجاب" که در عصر ما این کلمه برای پوشش زن معروف شده است چیست؟!

کلمه "حجاب" هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر، استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت، هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی "حجاب" نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. در قرآن کریم در داستان سلیمان، غروب خورشید را این طور توصیف می کند: "حتی توارت بالحجاب" یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد. پرده حاجز میان قلب و شکم را "حجاب" می نامند.



در خانه های خود بمانند ، و در این جهت بیشتر منظورهای اجتماعی و سیاسی در کار بوده است .

قرآن کریم صریحا به زنان پیغمبر می گوید : " وقرن فی بیوتكن " یعنی در خانه های خود بمانید . اسلام می خواسته است " امهات المومنین " که خواه نا خواه احترام زیادی در میان مسلمانان داشتند از احترام خود سوء استفاده نکنند و احیانا ابزار عناصر خود خواه و ماجرا جو در مسائل سیاسی و اجتماعی واقع نشوند . و چنانکه می دانیم یکی از امهات المؤمنین (عایشه ) که از این دستور تخلف کرد ماجراهای سیاسی ناگواری برای جهان اسلام به وجود آورد . خود او همیشه اظهار تأسف می کرد و می گفت دوست داشتم فرزندان زیادی از پیغمبر می داشتم و می مردند اما به چنین مجاری دست نمی زدم .

سر این که زنان پیغمبر ممنوع شدند از این که بعد از آن حضرت با شخص دیگری ازدواج کنند به نظر من همین است ؛ یعنی شوهر بعدی از شهرت و احترام زنش سوء استفاده می کرد و ماجراهای می آفرید . بنابر این اگر درباره زنان پیغمبر دستور اکیدتر و شدیدتری وجود داشته باشد بدین جهت است .

به هر حال آیه ای که در آن آیه کلمه " حجاب " به کار رفته آیه ۵۳ از سوره احزاب است که می فرماید : " و اذا سألتموهن متاعا فاسألوهن من وراء حجاب " یعنی اگر از آن ها متاع و کالای مورد نیازی مطالبه می کنید از پشت پرده از آن ها بخواهید . در اصطلاح تاریخ و حدیث اسلامی هر جا نام " حجاب " آمده است . اما این که چطور در عصر اخیر به جای اصطلاح رایج فقها یعنی " ستر و پوشش " کلمه " حجاب و پرده و پردگی " شایع شده است برای من مجهول است ، و شاید از ناحیه اشتباه کردن حجاب اسلامی به حجاب هایی که در سایر ملل مرسوم بوده است باشد . ما در این باره بعدا توضیح بیشتر خواهیم داد .

### سیمای حقیقی مسأله حجاب

حقیقت امر این است که در مسأله پوشش - و به اصطلاح عصر اخیر حجاب - سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان ؟ روح سخن این است که آیا زن و تمتعات مرد از زن باید رایگان باشد؟ آیا مرد باید حق داشته باشد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر تمتعات را به استثنای زنا ببرد یا نه؟

اسلام که به روح مسائل می نگرد جواب می دهد : خیر ، مردان فقط در محیط خانوادگی و در کادر قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کامجویی کنند ، اما در محیط اجتماع استفاده از زنان بیگانه ممنوع است . و زنان نیز از این که مردان را در خارج از کانون خانوادگی کامیاب سازند به هر صورت و به هر شکل ممنوع می باشند .

در دستوری که امیر المومنین ( ع ) به مالک تشریح نوشته است می فرماید : " فلا تطلون احتجابك عن رعيتك " یعنی در میان مردم باش ، کمتر خود را در اندرون خانه خود از مردم پنهان کن ؛ حاجب و دربان ، تو را از مردم جدا نکند ، بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار بده تا ضعیفان و بیچارگان بتوانند نیازمندیها و شکایات خود را به گوش تو برسانند و تو نیز از جریان امور بی اطلاع نمائی .

ابن خلدون در مقدمه خویش فصلی دارد تحت عنوان " فصل فی الحجاب کیف یقع فی الدول و انه یعظم عند الهمم " . در این فصل بیان می کند که حکومت ها در بدو تشکیل میان خود و مردم حائل و فاصله ای قرار نمی دهند ولی تدریجا حائل و پرده میان حاکم و مردم ضخیم تر می شود تا بالاخره عواقب ناگواری به وجود می آورد . ابن خلدون کلمه " حجاب " را به معنی پرده و حائل ( نه پوشش ) به کار برده است .

استعمال کلمه " حجاب " در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتا جدید است . در قدیم و مخصوصا در اصطلاح فقها کلمه " ستر " که به معنی پوشش است به کار رفته است . فقها چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده اند کلمه " ستر " را به کار برده اند نه کلمه " حجاب " را . بهتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه " پوشش " را به کار می بردیم ، زیرا چنانکه گفتیم معنی شایع لغت " حجاب " پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود .

وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند . زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست . در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران قدیم و هند ، چنین چیزهایی وجود داشته است ولی در اسلام وجود ندارد .

پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد . آیات مربوطه همین معنی را ذکر می کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است و ما حدود این پوشش را با استفاده از قرآن و منابع سنت ذکر خواهیم کرد . در آیات مربوطه لغت " حجاب " به کار نرفته است . آیاتی که در این باره هست ، چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره مبارکه احزاب ، حدود پوشش و تماسهای زن و مرد را ذکر کرده است بدون آنکه کلمه " حجاب " را به کار برده باشد . آیه ای که در آن کلمه " حجاب " به کار رفته است مربوط است به زنان پیغمبر اسلام .

می دانیم که در قرآن کریم درباره زنان پیغمبر دستورهایی خاصی وارد شده است . اولین آیه خطاب به زنان پیغمبر با این جمله آغاز می شود : " یا نساء النبی لستن کأحد من النساء " یعنی شما با سایر زنان فرق دارید . اسلام عنایت خاصی داشته است که زنان پیغمبر ، چه در زمان حیات آن حضرت و چه بعد از وفات ایشان



## حقوق زن در اسلام

قسمت اول

علیه و آله به این نتیجه می‌رسیم که دین اسلام سه نوع امتیاز برای زنان قابل شده است:

اول، حق زناشویی که از نظر اسلام در عین این که پیوند معنوی و پرشکوه مرد و زن مسلمان است، اقدامی در مسیر نظم جامعه و قرارداد عادلانه ای بین طرفین است.

دوم، رعایت احترام و ادب معاشرت در روابط زن و مرد است. با شناختی که اسلام از طبیعت سرکش مردان داشته، در این مورد راه‌های عملی ارائه داده و صرفاً توصیه اخلاقی نکرده است.

سوم، تنظیم روابط زناشویی است. زناشویی صرفاً اقتناع غریزه جنسی نباید تلقی شود. انگیزه‌های انسانی و تربیتی، علل و موجبات اساسی زناشویی است. دورنمای این مزایای سه‌گانه که با یک دید کلی، می‌توان آن‌ها را به صورت اصل واحدی پذیرفت، نظر اسلام را نسبت به ارزش مقام زن روشن می‌سازد.

ادامه صفحه چهارم

حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که زن را به موجود مقدس تعبیر کرده و در حدیث دیگر مالکیت خصوصی، حق استفاده از ارث و تساوی در برابر قانون را برای زن قایل شده است.

فقه‌های اسلام، از تفاوتی که در سهم ارث زن و مرد وجود دارد و مرد دو برابر زن ارث می‌برد، بدین صورت دفاع کرده‌اند که این امر نه تنها تضحیح حقی نسبت به زنان نیست، بلکه امتیازی هم برای آنان محسوب می‌شود. می‌دانیم که در نظام اجتماعی اسلام، به طور کلی مرد مسؤول پرداخت هزینه خانواده از هر قبیل است. در حالی که مسؤولیت و مدیریت زن در خانواده نسبت به اموری است که برای او مستلزم هزینه‌ای نیست، بدین ترتیب ثروت و در آمد او مانند مرد، صرف مخارج خانواده نمی‌شود. حال اگر، بیش‌تر از او ارث می‌برد، هرگز به خاطر برتری مرد نسبت به زن نمی‌باشد، بلکه به علت مخارج بیش‌تری است که اجباراً مرد در زندگی برعهده دارد.

از بررسی قرآن و احادیث پیامبر صلی الله

نزول کتاب اسمانی قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله، تنها به خاطر تغییر رسوم و دگرگونی اخلاق عرب جاهلیت نبوده است. قرآن، کتابی است حاوی دستورات منسجم و کامل که اجرای آن در شرایط تاریخی و ضرورت‌های اجتماعی گوناگون کاملاً امکان‌پذیر است. در مورد حقوق زن، نخست باید دیدگاه اسلام را در باره طبیعت زن دانست.

دیانت اسلام، زنان و مردان را برابر می‌داند و قوانین اسلام، عموماً انسان را مورد حمایت قرار می‌دهد نه فرد یا گروه معینی را. با این همه در مواردی از حقوق زنان بیش‌تر پشتیبانی کرده و مخصوصاً سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عدالت، مهریانی و نیک رفتاری با زنان را توصیه نموده و احادیث بسیاری در این باره موجود است. در مساله ازدواج که از نظر اسلام، بعد اخلاقی و تربیتی آن اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، اگر به مهریه تاکید شده باز به خاطر احترام و تامین زندگی آینده زن بوده است.



غفلت برخی از خانم های چادری از مفهوم متعالی حجاب، بی حجابی مدرنی را ایجاد می کند که در آن نه تنها اصول اولیه حجاب که پوشش کامل بدن و عدم خودنمایی است را شامل نمی شود، بلکه با ترکیب این بدحجابی با آرایش و رفتارهای زننده، حرمت این پوشش را نیز زیر سوال می برند.



حجاب مایه ی تشخیص و آزادی زن است؛ برخلاف تبلیغات ابلهانه و ظاهر بینانه ی مادیگرایان، مایه ی اسارت زن نیست. زن با برداشتن حجابهای خود، با عریان کردن آن چیزی که خدای متعال و طبیعت پنهان بودن آن را از او خواسته، خودش را کوچک میکند، خودش را سبک میکند، خودش را کم ارزش میکند. حجاب وقار است، متانت است، ارزشگذاری زن است، سنگین شدن کفه ی آبرو و احترام اوست؛ این را باید خیلی قدر دانست و از اسلام باید به خاطر مسئله ی حجاب تشکر کرد؛ این جزو نعمتهای الهی است.

مطالعه تاریخ تمدن های گذشته حاکی از پرداختن انسان به رسوم و عادات شرم آوری بوده که انقلابات و تحولات اجتماعی نظیر اسلام، سرانجام آن را از میان برده است. از جمله این عادات، رفتار غیر انسانی مردان جاهلیت با زنان و دختران عشیره بوده که پیامبر با آن مبارزه کرده است.

از دیدگاه قرآن، زن در جامعه مسلمان، از همگی حقوقی که به مرد اختصاص داده شده، بهره مند است و اصولاً هیچ گاه تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد.

«ما از هر چیز دوگونه آفریدیم، باشد که یگانگی ما را پذیرا شوید.»

افسانه اغواگری حوا و برانگیختن آدم به گناه که در انجیل آمده، و زن را شاگرد شیطان نامیده است، مورد قبول اسلام نیست و این بی احترامی نسبت به زن نه تنها در قرآن دیده نمی شود، بلکه به شهادت بعضی آیات، برتری زن نسبت به مرد، پذیرفته شده است.

در آیات مذکور، آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران و مادر عیسی علیه السلام نمونه پاکدامنی و استقامت در برابر شدايد و سختی ها معرفی شده اند. بنابر احادیث معتبر، خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام دختر پیامبر و همسر علی علیه السلام در بزرگواری همانند مریم و آسیه اند.

باید دانست که نظر قشربون و ظاهر گرایان مسلمان نسبت به زن، مطلقاً با تعالیم اسلامی ربطی ندارد و نشانه بی اطلاعی و بی خبری این گروه های متعصب و بیگانه از حقایق اسلام است. این گروه ها برای زن همان حقوقی را قایلند که اعراب دوره جاهلیت قایل بودند، اینان به دستور پیامبر و تعالیم قرآن در موضوع برابری زن و مرد تسلیم نمی شوند و تنها به ظواهر دین پایبندند و با برداشت سطحی و ناقصی که از دین اسلام دارند، مقام عالی و با عظمتی را که قرآن به انسان (اعم از مرد و زن) ارزانی داشته، هرگز درک نکرده اند و در نتیجه با تندروی های ناشایسته ای به قضاوت در باره زن می پردازند. سخنانی چون «بهشت زبیر پای مادران است» یا «بهترین شما کسی است که با همسر خود به مهربانی رفتار کند»، هرگز بر زبان پیامبری که برای زن ارزش ملکوتی قایل نباشد، جاری نمی شود.